

عصر اطلاعات؛ ظهور جامعه شبکه ای



جلد اول

«مانوئل کاستلز» جامعه شناس و برنامه ریز اسپانیایی، در نخستین جلد کتاب خود، «عصر اطلاعات»، با شیوایی و مهارت چارچوب های نظری جامعه شبکه ای را مشخص می سازد و جایگاه افراد و جوامع را در درون قالب های تازه، عمومیت های تازه می بخشد و تعاریف تازه ای از انسان عرضه می کند.

هدف کاستلز در این کتاب آن بوده است که با بررسی تحلیلی مهمترین رویدادها و پدیده هایی که در زمان حاضر در حال شکل دادن به جوامع بشری و رقم زدن سرنوشت آدمی بر روی کره خاک هستند؛ امکان فهم عقلانی تحولات حیرت انگیزی را فراهم آورد که تاثیر آنها بر همه ابعاد حیات انسان ها مشهود است. از این جمله اند: ظهور صنعت چاپ، انقلاب اطلاعات و گسترش تکنولوژی ارتباطات که سپهر طبیعی، فرهنگی و معنوی آدمی را در سراسر سیاره و در همه ابعاد در معرض تحولات اساسی و بنیادین قرار داده است.

نکته ای که به هنگام بررسی تحلیل کاستلز برای خواننده ایرانی برجسته می شود آن است که ظاهرا وی در بررسی های تجربی خویش با شکلی مشابه آن چه در سال های اخیر در جامعه ایران، به ظهور پیوسته، مواجه نبوده است. با این حال کتاب کاستلز در عین تصویر نگران کننده ای که از تحولات جاری ترسیم می کند، از پیام امید برای گروه های اجتماعی مختلف و در راس آنان برای روشنفکران مسئول، خالی نیست. اما به پیام امید کاستلز باید با توجه به شرایط کلی حاصل از سلطه جامعه شبکه ای و منطق دوگانه ساز آن، توجه کرد. این کتاب کمک شایان توجهی است تا اقتصاد اطلاعاتی جهانی امروز و نیز جایگاه خود را در آن، درک کنیم.

شبه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

عصر اطلاعات؛ قدرت هویت



جلد دوم

کاستلز در مجلد دوم «عصر اطلاعات» با پرداختن به مفهوم هویت می نویسد: «برداشت من از اصطلاح هویت، فرایند معنا سازی بر اساس یک ویژگی فرهنگی با مجموعه به هم پیوسته ای از ویژگی های فرهنگی است که بر منابع معنایی دیگر اولویت داده می شود. حال این که چه کسی و به چه منظوری هویت جمعی را بر سازد، تا حد زیادی تعیین کننده محتوای نمادین هویت مورد نظر و معنای آن برای کسانی است که خود را با آن یکی می دانند یا خود را بیرون آن تصور می کنند».

کاستلز در ادامه، ضمن اشاره به صورت و منشاء برساختن هویت گروه ها به تقسیم بندی و تحلیل ریشه های اجتماعی و تاریخی این گروه ها پرداخته است؛ گروه هایی چون: زاپاتیستا، آتوم، میلیشیا، فیمینیسیم، نهضت محیط زیست، جبهه تازه اکولوژیست ها، طرفداران دنیای بی قانون و مدل آمریکایی سیاست نمایشی و رسواسازی آن.

به عقیده «آبدا سوسر»، انسان شناس آمریکایی، کاستلز در «قدرت هویت»، تحلیلی بدیع

و مناقشه‌انگیز درباره جامعه‌اطلاعاتی و آن دسته از نیروهای جهانی به دست می‌دهد که در حال دگرگون ساختن دولت‌ها، قومیت‌ها، ایدئولوژی و جنسیت در اکناف جهان هستند. این کتاب نظریه‌ای پرمایه و نیرومند درباره بی‌نظمی نوین جهان و درباره آن چه دیگران «چشم‌انداز توصیف‌ناپذیر پست مدرن» قلمداد کرده‌اند، عرضه می‌کند. نگاهی وسیع، ژرف و اصیل به تغییراتی که همه ما تجربه می‌کنیم.

این هویت‌ها، در برابر سیل بنیان‌کن شبکه‌ای شدن عالم، در تلاش‌اند تا با تکیه بر میراثی که آن را احیاناً جاودانی و لایتغیر به‌شمار می‌آورند، حصن حصینی ایجاد کنند و در برابر تغییراتی که در عالم در حال وقوع است مقاومت ورزند. کاستلز با تصویر کردن این کنش و واکنش که از یک سو گرایش‌ها و هویت گروهی و ملی‌گرایانه در حال قوت یافتن را نشان می‌دهد و از سوی دیگر باعث تضعیف حاکمیت‌های ملی به نفع شبکه‌های جهانی می‌شود، تصویر جدیدی برای ورود به هزاره سوم در اختیار مخاطب می‌گذارد. اما به‌راستی در این جنگ بین قدرت‌ها کدام یک پیروز خواهند شد و هویت انسان هزاره سوم را کدام پدیده‌ها تعیین خواهند کرد؟

عصر اطلاعات؛ پایان هزاره

با «جهان سوم» به تعبیری که در اقتصاد سیاسی قرن بیستم از آن یاد می‌شود آشنا هستیم. کاستلز در مجلد سوم «عصر اطلاعات» مفهومی جدید به نام «جهان چهارم» را مطرح می‌کند، که در همه جای کره زمین از آفریقای فقرزده تا حصارآبادهای آسیا و آمریکای لاتین حضور روشن آن را می‌توان مشاهده کرد.

چرایی و چگونگی این وضعیت که با افزایش نابرابری و حذف اجتماعی در سراسر جهان تنیده شده و چهره‌های جدید رنج انسانی را نیز به تصویر می‌کشد، موضوع دومین فصل از جلد سوم عصر اطلاعات است.

کاستلز آغاز «پایان هزاره» را با سقوط ناگهانی اتحاد شوروی و فروپاشی دولت‌سالاری صنعتی و به‌همراه آن نابودی جنبش بین‌المللی کمونیستی پیوند می‌زند و به ریشه‌یابی بحران می‌پردازد.

جهانی‌شدن سازمانی جنایت، سرنوشت در حال تغییر کشورهای آسیایی حوزه اقیانوس آرام و بحران کشورهای آسیایی، حمله برهه‌های اقتصادی و یکپارچگی اروپا از جمله مباحث مشروح در فصول پنجگانه «پایان هزاره» است.

این جامعه‌شناس معاصر اسپانیایی با شروع بحث درخشانی در این مجلد در خصوص اقتصادهای نامشروع و غیرقانونی که در دل نظام اقتصادی جهانی شکل گرفته و همچون ویروسی بیماری‌زا به بخش‌های این نظام سرایت کرده و بسیاری از سرمایه‌داران و شرکت‌های بزرگ و نیز سیاست‌مداران را در شرق و غرب عالم آلوده ساخته است، به توضیح تأثیری می‌پردازد که قدرت این سرمایه بر فرهنگ، سیاست، اقتصاد و حیات اجتماعی عصر جدید می‌گذارد. «پایان هزاره» را می‌توان چشم‌گیرترین تلاشی دانست که تا به حال برای ترسیم طرح عصر اطلاعاتی جهانی به‌عمل آمده است.



کتاب